

دعای امام حسین (ع) در روز عرفه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَمُنْعِهِ صُنْعٌ صَانِعٌ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ جَازَى كُلَّ صَانِعٍ وَرَأَيْتُ كُلَّ قَانِعٍ وَرَاحِمٍ كُلِّ ضَارِعٍ وَمَنْزِلَ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ،

خدای را سپاس که برای حکمش برگرداننده‌ای، و برای بخشش بازدارنده‌ای و همانند ساخته‌ای ساخته هیچ سازنده‌ای نیست، و او سخاوتمند و وسعت بخش است، انواع مخلوقات را پدید آورد، و ساخته‌ها را با حکمتش محکم نمود، طلیعه‌ها بر او پوشیده نمی‌ماند، و ودیعه‌ها نزد او ضایع نمی‌شود پاداش‌دهنده هر سازنده، و بی‌نیازکننده هر قناعت‌گر، و رحم‌کننده بر هر نالان، و فرو فرستنده سودها، و نازل کننده کتاب جامع با نور درخشان است، او شنونده دعاها، و دورکننده بلاها، و بالا برنده درجات،

وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَرْغَبُ اِلَیْكَوَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِیَّهِ لَكَ مَقَرّاً بِاَنَّكَ رَبِّیْ وَ اِلَیْكَ مَرَدِّیْ اِبْتَدَاْتَنِیْ بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُوْنَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَخَلَقْتَنِیْ مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِیْ الْاَصْلَابَ اَمِناً لِّرَبِّیْ الْمُنُّونَ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِّیْنَ،

و کوبنده گردنکشانش است، پس معبودی جز او نیست، و چیزی با او برابری نمی‌کند، و چیزی همانندش نیست، و اوست شنوا و بینا، و لطیف و آگاه، و بر هر چیز تواناست. خدایا به سوی تو رغبت می‌نمایم، و به پروردگاری تو گواهی می‌دهم، اقرارکننده‌ام که تو پروردگار منی، و بازگشت من به سوی تو است، وجودم را با نعمت آغاز کردی پیش از آنکه موجودی قابل ذکر باشم، و مرا از خاک پدید آوردی، سپس در میان صلیبها جایم دادی، درحالی که از حوادث زمانه و رفت‌وآمد روزگار و سالها،

فَلَمْ اَزَلْ طَاعِناً مِنْ صُلْبِ اِلٰی رَحِمٍ فِی تَقَادُمٍ مِنَ الْاَبَیَامِ الْمَاضِیَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِیَةِ لَمْ تُخْرِجْنِیْ لِرَافَتِكَ بَیْ وَلَطْفِكَ لِیْ وَاحْسَانِكَ اِلَیَّ فِی دَوْلَةِ اَیْمَةٍ الْكُفْرِ الَّذِیْنَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لِكُنْكَ اَخْرَجْتَنِیْ لِلَّذِیْ سَبَقَلِیْ مِنَ الْهُدٰی الَّذِیْ لَهٗ یَسِّرْتَنِیْ وَفِیْهِ اَنْشَاءَتَنِیْ وَمِنْ قَبْلِ ذٰلِكَ رَوُّفَتِ بَیْ بِجَمِیْلِ صُنْعِكَ وَسَوَیْغِ نِعْمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِیْ مِنْ مِّنِّیْ یَمْنٰی وَاسْكَنْتَنِیْ فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَیْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ،

ایمنی بخشیدی همواره کوچ‌کننده بودم از صلیب به رحمی، در گذشته از ایام و قرنهای پیشین، از باب رأفت و لطف و احسانی که به من داشتی، مرا در حکومت پیشوایان کفر، آنان که پیمان را شکستند، و پیامبران را تکذیب کردند، به دنیا نیاوردی، ولی زمانی به دنیا آوردی به خاطر آنچه در علمت برایم رقم خورده بود و آن عبارت بود از هدایتی که مرا برای پذیرفتن آن آماده ساختی، و در عرصه گاهش نشود و نمایم دادی، و پیش از آن هم با رفتار زیبایت، و نعمتهای کاملت بر من مهر ورزیدی، در نتیجه وجودم را پدید آوردی از نطفه ریخته شده و در تاریکیهای سه‌گانه میان گوشت و خون و پوست جایم دادی،

لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَأَمَّماً سَوِيّاً وَحَفَظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِينَ وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرّوَاحِمَ وَكَلَّلْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَيْتُ نَاطِقاً بِالْكَلامِ،

و مرا در آفرینش وجودم گواه نگرفتی، و چیزی از کار خلقتم را به من واگذار نمودی، سپس برای آنچه در علمت از هدایتیم گذشته بود مرا کامل میانه به دنیا آوردی، و در حال کودکی و خردسالی در میان گهواره محافظت نمودی، و از بین غذاها شیر گوارا نصیبم کردی، و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی، و مادران پرمهر را به پرستاری ام گماشتی، و از آسیبهای پریان نگهداری فرمودی، و از زیادی و کمی سالمم داشتی، پس تو برتری ای مهربان، ای بخشنده، تا آنگاه که آغاز به سخن کردم.

أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ وَرَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهِمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعِجَائِبِ حِكْمَتِكَ وَأَيَّعُظَّتَنِي لِمَا ذُرَّاتٌ فِي سَمَائِكَوَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبِّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلَطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى،

نعمتهای کاملت را بر من تمام کردی، و مرا در هر سال با افزوده شدن به وجودم پرورش دادی، تا آفرینشم کامل شد، و تاب و توانم معتدل گشت، حجت را بر من واجب نمودی، چنان که معرفت را به من الهام فرمودی و با شگفتیهای حکمتت به هراسم افکندی، و به آنچه در آسمان و زمین از پدیده های خلقت پدید آوردی بیدارم نمودی، به سپاسگذاری و یادت آگاهی ام دادی، و طاعت و عبادت را بر من واجب نمودی، و آنچه را پیامبران آوردند به من فهماندی، و پذیرفتن خشنودیت را بر من آسان کردی، و در تمام این امور به یاری و لطفت بر من منت نهادی، سپس وقتی که مرا از بهترین خاک آفریدی،

لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيشِ بِمَنْكِ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَوَقَّعْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي،

برایم نپسندیدی ای معبود من نعمتی را بدون نعمتی دیگر، و از انواع وسایل زندگی، و اقسام بهره‌ها نصیب من فرمودی، و این بخاطر نعمت‌بخشی بزرگ و بزرگتر و احسان دیرینه‌ات بر من بود، تا جایی که همه نعمتها را بر من کامل نمودی، و تمام بلاها را از من بازگرداندی، نادانی و گستاخی‌ام بر تو، بازت نداشت، از این که مرا به آنچه به تو نزدیک می‌کند راهنمایی کردی، و به آنچه مرا به پیشگاهت مقرب می‌نماید توفیق دادی، پس اگر بخوانمت، اجابت‌م نمایی، و اگر از تو درخواست نمایم، عطايم کنی، و اگر اطاعتت کنم قدردانی فرمایی، و اگر به شکرتم برخیزم بر نعمتم بیفزایی،

كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِّئِ مُعِيدِ حَمِيدِ مُجِيدِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظَّمْتَ الْأَوْكَ فَأَعْلَى نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَداً وَذَكَرُاْ أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَعْقُومُ بِهَا شُكْراً وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي أَلَلَّهُمْ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي،

همه اینها کامل کردن نعمتهایت بر من و احسانت به سوی من است، پس منزّهی تو، منزّهی تو، که آفریننده‌ای، و بازگرداننده‌ای، و ستوده‌ای و بزرگواری، نامه‌ایت مقدس است، و نعمتهایت بزرگ، خدایا کدامیک از نعمتهایت را به شماره آورم و یاد کنم، یا برای کدامیک از عطاهايت به سپاسگذاری برخیزم درحالی که پروردگارا، بیش از آن است که شماره‌گران برشمارند، یا اینکه یاد دارندگان در دانش به آنها برسند، آنگاه ای خدا، آنچه از بدحالی و پریشانی از من بازگرداندی و دور کردی، از آنچه از سلامتی کامل و خوشحالی برایم نمایان شد، بیشتر است، معبودا، من گواهی می‌دهم به حقیقت ایمانم،

وَعَقْدِ عَزَمَاتٍ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحٍ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي ثُورِ بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عَرْنِينِي وَمَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي وَمَا ضُمْتُ وَأَطْبَقْتُ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغَرَزِ حَنَكِ قَمِي وَفَكِّي،

و باور تصمیمات یقینم، و یکتاپرستی بی‌شائبه صریح و درون پوشیده نهادم، و آویزه‌های راههای نور چشمم، و چینهای صفحه پیشانی‌ام، و روزنه‌های راههای نفسم، و پره‌های نرمه تیغه بینی‌ام، و حفره‌های پرده شنوایی‌ام، و آنچه که ضمیمه شده و بر آن بر هم نهاده دو لبم، و حرکت‌های سخن زبانم، و جای فرو رفتگی سقف دهان و آرواره‌ام، و محل روییدن دندانهایم،

وَمَنَابِتِ أَصْرَاسِي وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَحِمَالِهِ أُمِّ رَأْسِي وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَنِبَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَأَعْقِلَادِ حَوَاشِي كِبْدِي وَمَا حَوَّثَهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي وَقَبْضُ عَوَامِلِي وَأَطْرَافِلَا أَنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي وَمَخَى وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامُ رِضَاعِي وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقْطَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي ،

و جای گوارایی خوراک و آشامیدنی‌ام، و بار بر مغز سرم و رسایی رگهایی طولانی گردنم، و آنچه را قفسه سینه‌ام در بر گرفته، و بندهای پی شاهرگم، و آویخته‌های پرده دلم، و قطعات کناره‌های کبدم، و آنچه را در بر گرفته غضروفهای دنده‌هایم، و جایگاههای مفاصلم، و پیوستگی پاهایم، و اطراف انگشتانم، و گوشتم، و خونم، و مویم، و پوستم، و عصبم، و نایم، و استخوانم، و مغزم، و رگهایم، و تمام اعضایم، و آنچه در ایام شیرخوارگی بر آنها بافته شد، و آنچه زمین از سنگینی من برداشته، و خوابم و بیداری‌ام و سکونم، و حرکات رکوع و سجودم،

أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمِرْتُهَا أَنْ أَعُوذِي شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَعْنُومِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلَ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ تُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآئِفِهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمْدًا هَيْهَاتَ أُنْتَى ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقُ،

خلاصه با تمام این امور گواهی می‌دهم بر اینکه اگر به حرکت می‌آمدم و طول روزگاران، و زمانهای بس دراز می‌کوشیدم، بر فرض که آن همه زمان را عمر می‌کردم، که شکر یکی از نعمتهایت را بجا آورم نخواهم توانست، جز با منتت که به سبب آن شکر بر من واجب می‌شود، شکری دایم و نو، و ثنایی تازه و فراهم‌آری اگر من و همه شمارش‌گران از آفریدگانت، حرص و رزیم که نهایت نعمتهایت، از نعمتهای سابقه‌دار و بی‌سابقه‌ات را برشماریم، هرگز نمی‌توانیم به شماره آوریم، و نه اندازه آن را حصا کنیم، چه دور است چنین چیزی چگونه ممکن است؟ و حال آنکه تو در کتاب گویایت،

وَالنَّبَاءِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبِأُوكَ وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَأُوكَ وَرَسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنَّنِي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِمَا هَدَيْتَنِي وَجَدْتَنِي وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوَسْعِي وَأَعْقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَوْرُوثًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَالَّاهُ فِيمَا ابْتَدَعَ،

و خبر صادقانه‌ات اعلام کرده‌ای: اگر نعمتهای خدا را برشمارید، قدرت شمارش آن را ندارید. خدا یا کتابت راست گفته، و اخبارت صادقانه است، و پیامبرانت و رسولانت به مردم رساندند، آنچه را از وحیت بر آنان نازل کردی. و برای آنان و به وسیله آنان از دینت شریعت ساختی، معبودا من گواهی می‌دهم به تلاش و کوششم، و به قدر رسایی طاعت و ظرفیتم، و از باب ایمان و یقین می‌گویم: سپاس خدای را که فرزندی نگرفته، تا از او ارث برند، و برای او در فرمانروایی‌اش شریکی نبوده تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند،

وَلَا وَلِيٍّ مِنَ الدَّلِّ فَيُرْفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَ آئِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَامٌ

و سرپرستی از خواری برایش نبوده، تا او را در آنچه ساخته یاری دهد، پس منزّه است او، منزّه است او، اگر در آسمان و زمین معبودهایی جز خدا بود، هر آینه هر دو تباه می‌شدند و متلاشی می‌گشتند، منزّه است خدای یگانه یکتا، و بی‌نیاز، که نزاده، و زاده نشده و احدی همتایش نبوده است. سپاس خدای را، سپاسی که برابری کند با سپاس فرشتگان مقرب، و انبیای مرسلش را، و درود و سلام خدا بر بهترین برگزیده از خلقش محمد خاتم پیامبران، و اهل بیت پاک و پاکیزه و ناب گشته او باد.

آنگاه آن حضرت، شروع به درخواست از خدا کرد، و در دعا اهتمام ورزید، و درحالی که اشک از دیده‌های مبارکش جاری بود، دعا را به این صورت ادامه داد:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَخْشَاكَ كَانِيْ اَرَاكَ وَاَسْعِدْنِيْ بِتَقْوِيْكَ وَلَا تُشَقِّنِيْ بِمَعْصِيَّتِكَ وَخِرْلِيْ فِيْ قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِيْ فِيْ قَدْرِكَ حَتّٰى لَا اُحِبَّ تَعْجِيْلَ مَا اَخَّرْتَ وَلَا تَاخِيْرَ مَا عَجَّلْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِيْ نَفْسِيْ وَالْيَقِيْنَ فِيْ قَلْبِيْ وَالْاَخْلَاصَ فِيْ عَمَلِيْ وَالنُّوْرَ فِيْ بَصَرِيْ وَالْبَصِيْرَةَ فِيْ دِيْنِيْ وَمَتَّعْنِيْ بِجَوَارِحِيْ وَاَجْعَلْ سَمْعِيْ وَبَصَرِيْ اَلْوَارِثِيْنَ مِنِّيْ وَاَنْصُرْنِيْ عَلٰى مَنْ ظَلَمْنِيْ وَاَرْنِيْ فِيْهِ ثَارِيْ وَمَا رَبِّيْ وَاَقِرْ بِذَلِكَ عَيْنِيْ اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِيْ وَاَسْتُرْ عَوْرَتِيْ وَاَغْفِرْ لِيْ خَطِيْئَتِيْ وَاخْسَاْ شَيْطَانِيْ وَفُكْ رِهَانِيْ،

خدایا چنانم کن که از تو بترسم گویا که تو را می‌بینم، و با پرهیزگاری مرا خوشبخت گردان، و به نافرمانی‌ات بدبختم مکن، و خیر در قضایات را برایم اختیار کن، و به من در تقدیرت برکت ده، تا تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم، و تأخیر آنچه را تو پیش انداختی میل نکنم. خدایا قرار ده، بی‌نیازی را در ذاتم، و یقین را در دلم، و اخلاص را در عملم، و نور را در دیده‌ام، و بصیرت را در دینم و مرا به اعضای بهره‌مند کن، و گوش و چشمم را دو وارث من گردان، و مرا بر آن که به من ستم روا داشته پیروز فرما، و در رابطه با او انتقام و هدفم را نشانم ده، و چشمم را بدین سبب روشن گردان. خدایا گرفتاری‌ام را برطرف کن، و زشتی‌ام را بپوشان، و خطایم را بپارز و شیطانم را بران و دینم را ادا کن،

وَاَجْعَلْ لِيْ يَا اِلٰهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِيْ الْاٰخِرَةِ وَالْاَوَّلٰى اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِيْ فَجَعَلْتَنِيْ سَمِيْعًا بَصِيْرًا وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِيْ فَجَعَلْتَنِيْ خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِيْ وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِيْ غَنِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِيْ فَعَدَلْتَ فِطْرَتِيْ رَبِّ بِمَا اَنْشَأْتَنِيْ فَاَحْسَنْتَ صُوْرَتِيْ رَبِّ بِمَا اَحْسَنْتَ اِلَيَّ وَفِيْ نَفْسِيْ عَافِيَّتِيْ رَبِّ بِمَا كَلَّلْتَنِيْ وَوَفَّقْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِيْ وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَعْطَيْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَطْعَمْتَنِيْ وَسَقَيْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِيْ وَاَقْنَيْتَنِيْ رَبِّ بِمَا اَعَنْتَنِيْ وَاَعَزَّزْتَنِيْ،

و برایم معبودا در آخرت و دنیا درجه‌ای برتر قرار ده، خدایا تو را سپاس، مرا آفریدی، و شنواوینا قرار دادی، و تو را سپاس که مرا پدید آوردی، و از روی رحمت، آفریده‌ای متناسب قرار دادی، درحالی که از آفرینش من بی‌نیاز بودی، پروردگارا به اینکه مرا پدید آوردی. پس در خلقتم تناسب نهادی، پروردگارا به اینکه آفرینشم را آغاز نمودی، و صورتم را نیکو نمودی، پروردگارا به اینکه به من احسان کردی و در خویشتنم عافیت نهادی، پروردگارا به اینکه محافظتم نمودی و موقوفم داشتی، پروردگارا به اینکه بر من نعمت بخشیدی و راهنمایی‌ام نمودی، پروردگارا به اینکه سزاوار احسانم کردی، و از هر خیری عطایم کردی، پروردگارا به اینکه مرا خوردندی و نوشاندی، پروردگارا به اینکه بی‌نیازم ساختی و اندوخته‌ام بخشیدی، پروردگارا به اینکه یاری‌ام نمودی و عزتم بخشیدی،

رَبِّ بِمَا اَلْبَسْتَنِيْ مِنْ سِتْرِكَ الصّٰفِيْ وَيَسَّرْتَ لِيْ مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِيْ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّيْ عَلٰى بَوَاتِقِ الدَّهْوْرِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِيْ وَالْاَيَّامِ وَتَجَنِّيْ مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْاٰخِرَةِ اَوْكُنِيْ شَرًّا مَا يَعْمَلُ الظّٰلِمُوْنَ فِيْ الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ مَا اَخَافُ فَاكْفِنِيْ وَمَا اَحْذَرُ فَقِنِيْ وَفِيْ نَفْسِيْ وَدِيْنِيْ فَاحْرُسْنِيْ وَفِيْ سَفَرِيْ فَاحْفَظْنِيْ وَفِيْ اَهْلِيْ وَمَالِيْ فَاخْلُفْنِيْ وَفِيْمَا رَزَقْتَنِيْ فَبَارِكْ لِيْ وَفِيْ نَفْسِيْ فَذَلِّلْنِيْ وَفِيْ اَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِيْ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاَنْسِ فَسَلِّمْنِيْ وَبِدُنُوْبِيْ فَلَا تَفْضَحْنِيْ وَبَسْرِيْرَتِيْ فَلَا تُخْزِنِيْ وَبِعَمَلِيْ فَلَا تَبْتَلِنِيْ وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِيْ وَاِلٰى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِيْ. اِلٰهِيْ اِلٰى مَنْ تَكِلْنِيْ؟

پروردگارا به اینکه به من پوشاندی، از پوشش با صفایت و بر من آسان نمودی، از رفتار کفایت‌کننده‌ات، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر بلاهای روزگار، و حوادث شبها و روزها یاری ده، و از هراسهای دنیا، و گرفتاریهای آخرت نجات ده، و مرا از شر آنچه ستمگران در زمین انجام می‌دهند کفایت کن، خدایا از آنچه می‌ترسم مرا بس باش و از آنچه حذر می‌کنم نگهداری کن، و در نفسم و دینم از من نگهداری فرما و مرا در سفرم نگهدار، و در خاندان و مالم جانشین باش، و مرا در آنچه نصیبم فرمودی برکت ده، و در نزد خویش خوارم ساز، و در دیدگان مردم بزرگم کن، و از شر جن و انس سالمم بدار و به گناهانم رسوایم مساز، و به باطنم سبکم منما، و به معلم دچارم مکن، و مرا از نعمتایت محروم مفرما، و به غیر خود واگذارم مکن. خدایا، مرا به که واگذار می‌کنی؟

اِلٰى قَرِيْبٍ قَيِّقُطْعَنِيْ اَمْ اِلٰى بَعِيْدٍ قَيَّتَجَهَّمُنِيْ اَمْ اِلٰى الْمُسْتَضْعَفِيْنَ لِيْ وَاَنْتَ رَبِّيْ وَمَلِيْكُ اَمْرِيْ اَشْكُوْ اِلَيْكَ غُرْبَتِيْ وَبَعْدَ دَارِيْ وَهَوَانِيْ عَلٰى مَنْ مَلَكَتَهُ اَمْرِيْ اِلٰهِيْ فَلَا تُحِلِّلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا اُبَالِيْ سُبْحَانَكَ غَيْرَ اَنْ عَافِيَّتَكَ اَوْسَعُ لِيْ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِنُّوْرِ وَجْهِكَ الَّذِيْ اَشْرَقَتْ لَهٗ الْاَرْضُ وَالسَّمٰوٰتُ وَكُشِفَتْ بِهٖ الظُّلُمٰتُ.

به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد، یا به بیگانه تا با من با ترش‌رویی برخورد کند یا به آنان که خوارم می‌شمرند؟، و حال اینکه تو خدای من، و زمامدار کار

منی. من به تو شکایت می‌کنم، از غربتم، و دوری خانه آخرتم، و سبکی‌ام نزد کسی که اختیار کارم را به او دادی. خدایا غضبت را بر من فرو نیاور، اگر در مقام خشم کردن بر من نباشی، از غیر تو باک ندارم، منزهی تو، جز اینکه عافیت بر من گسترده‌تر است، از تو درخواست می‌کنم پروردگارا به نور جالت، که زمین و آسمانها به آن روشن گشت، و تاریکیها به آن برطرف شد،

وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمَيِّنَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ
الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا
مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عِدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي يَا إِلَهِي وَالْهَى أَبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَالْإِلَهَ الْمُتَجَبِّينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ
كَهْيَعَصَ وَطَهُ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و کار گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید، که مرا بر خشمتم نمیرانی، و ناخشنودی‌ات را بر من فرو نیاوری، خشنودی حق توست، خشنودی حق
توست، تا پیش از آن راضی شوی، معبودی جز تو نیست، پروردگار خانه محترم، و مشعر الحرام، و خانه کعبه که برکت را در آن نازل فرمودی، و آن را برای مردم ایمن
ساختی، ای آن که با بردباری‌اش از گناهان بزرگ گذشت، ای آن که با فضلش نعمتها را کامل ساخت، ای آن که با کرمش گسترده و فراوان عطا کرد، ای توشه‌ام در
سختیهای همراهی در تنهایی، ای فریاد رسم در گرفتاریها، ای سرپرستم در نعمتها، ای خدای من و خدای پرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب، و پروردگار
جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و اهل بیت برگزیده‌اش و نازل‌کننده تورات و انجیل و زبور و قرآن و فروفرستنده کهیعیص و طه و
یس و قرآن حکیم

أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تَعْيِينِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْمِهَا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ
مِنَ الْمُفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسَّمَوِّ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُونَ يَا
مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلِّ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ ،

تو پناهگاه منی زمانی که راهها با همه وسعتشان درمانده‌ام کنند، و زمین با همه پهناوری‌اش بر من تنگ گیرد و اگر رحمت تو نبود، هر آینه من از هلاک شدگان
بودم، و نادیده گیرنده لغزشم تویی، و اگر پرده‌پوشی‌ات بر من نبود، هر آینه من از رسواشدگان بودم، و تویی که مرا با پیروزی بر دشمنانم تأیید می‌کنی، و اگر یاری تو
نبود هر آینه من از شکست‌خوردگان بودم، ای که وجودش را به بلندی و برتری اختصاص داده، در نتیجه اولیایش به عزت او عزیز می‌شوند، ای آن که پادشاهان در
برابریش یوغ ذلت بر گردنهایشان گذاشته‌اند، در نتیجه از حملاتش ترسانند،

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالْدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا
هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ
الْفَقْرِ وَمَخْرَجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَاةً عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ أَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلَوِّ عَنْ أَيُّوبَ
وَمُمْسِكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ

خیانت چشمها را، و آنچه سینه‌ها پنهان می‌کنند می‌داند، و به پنهانیهایی که زمانها و روزگاران می‌آورد آگاهی دارد، ای آن که جز او نمی‌داند او چگونه است، ای
آن که جز او نمی‌داند او چیست، ای آن که جز او را نمی‌شناسد، ای آن که زمین را بر آب انباشت، و هوا را به آسمان بست، ای آن که او راست گرمی‌ترین نامها ای
صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد، ای آماده‌کننده کاروان برای نجات یوسف در سرزمین بی‌آب و گیاه، و خارج‌کننده‌اش از چاه، و قراردنده‌اش بر تخت پادشاهی
پس از دوره بندگی ای برگرداننده یوسف به نزد یعقوب، پس از آنکه دو چشمش از اندوه نابینا شد، و دلش آکنده از غم بود، ای برطرف‌کننده بدحالی و گرفتاری از
ایوب، ای گیرنده دستهای ابراهیم

عَنْ ذُبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَقَنَاءِ عُمُرِهِ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى وَلَمْ يَدْعُهُ قَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ
الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَآئِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرُوقِينَ يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ
خَلْقِهِ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَا فِي نِعْمَتَيْهَا كُلُّونَ رِزْقَهُ،

از بریدن سر فرزندش، پس از سنّ پیری، و به پایان آمدن عمرش ای که دعای زکریّا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را یگانه و تنها وا نگذاشت، ای که یونس را از دل ماهی به در آورده، ای که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را نجات داد، و فرعون و لشگریانش را از غرق شدگان قرار داد ای که باده را مژده دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاده، ای که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نورزد، ای آن که ساحران روزگار موسی را از ورطه هلاکت رهانید، پس از سالیان طولانی که در انکار حق بودند، و در عین حال تنعم به نعمت او رزقش را می خوردند،

وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادَوْهُ وَنَادَوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ لَا نَدْلِكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قُلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرَمْنِي وَعَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَى عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى وَنِعْمَهُ لَا تُجَازَى يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي،

و برای غیر او بندگی می کردند، با او مخالفت داشتند و برای او شبیه قرار داده بودند، و پیامبران را تکذیب کردند، ای خدا، ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی نیست، ای جاودانگی که پایانی برایت نمی باشد، ای زنده وقتی که زندهایی نبوده، ای زنده کننده مردگان، ای مراقب بر هر کس به آنچه که انجام داده، ای که شکرم برای او اندک است ولی محرومم نساخت، خطایم بزرگ شد، پس رسوایم نکرد، و مرا بر نافرمانیها دید، ولی در بین مردم رسوایم نمود، ای که در خردسالی حفظم نمود، و در بزرگسالی رزقم داد، ای که عطاهايش نزد من شماره نشود، و نعمتهايش تلافی نگرده، ای که با من به خیر و احسان روبرو شد، و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم، ای که به ایمان هدایت نمود، پیش از آنکه سپاس نعمتهايش را بشناسم، ای که در بیماری خواندمش، پس شفایم داد،

وَعُرْبَانَا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي وَعَطْشَانًا فَأَرَوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَرَدَدَنِي وَمَقْلًا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَتَقَسَّ كَرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَعَفَّرَ ذَنْبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَإِنْ أَعْدَ نِعْمَكَ وَمِنْكَ وَكَرَائِمَ مِنْحِكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ ،

و در حال برهنگی پوشاند مرا، و در حال گرسنگی سیرم کرد و در حال تشنگی سیرابم نمود، و در حال خواری، عزتم بخشید، و در حال نادانی معرفتم بخشید، و در حال تنهایی افزونم نمود، و در حال غربت، بازم گرداند، و در حال نداری، دارایم کرد، و در یاری خواهی، یاری ام فرمود، و در ثروتمندی محرومم نکرد، و از درخواست همه اینها باز ایستادم، پس او شروع به عنایت بر من نمود، حمد و سپاس تو را ست، ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود، و عایم را اجابت نمود، و عیبم را پوشاند، و گناهم را آمرزید، و مرا به خواسته ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند، اگر نعمتها و عطاها و بخششهای بارزشت را برشمارم هرگز نمی توانم به شماره آرم، ای سرور من،

أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي عَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ ،

تویی که عطا کردی، تویی که نعمت دادی، تویی که نیکی کردی، تویی که زیبا نمودی، تویی که افزون نمودی، تویی که کامل کردی، تویی که روزی دادی، تویی که موقف نمودی، تویی که عطا فرمودی، تویی که بی نیاز نمودی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی، تویی که کفایت نمودی، تویی که راهنمایی فرمودی، تویی که حفظ کردی، تویی که پرده پوشی نمودی، تویی که آمرزیدی تویی که نادیده گرفتی، تویی که قدرت دادی، تویی که عزت بخشیدی، تویی که کمک کردی، تویی که مساعدت فرمودی، تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی، تویی که شفا بخشیدی، تویی که سلامت کامل دادی، تویی که گرامی داشتی،

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكُثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمُ وَالْمَوْقِفُ مَنْ عَمِلَ

صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَيِّدِي إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ،

بزرگ و برتری، حمد و شکر همیشگی تورا است، سپس من معبودا اعتراف کننده به گناهانم هستم، پس مرا بیمارز، منم که بد کردم، منم که خطا کردم، منم که قصد گناه کردم، منم که نادانی نمودم، منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم، منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمّد داشتم، منم که وعده کردم، منم که وعده شکستم، منم که پیمان شکنی نمودم، منم که اقرار کردم، منم که به نعمتت بر خود و پیش خود اعتراف کردم، و به گناهانم اقرار می کنم، پس مرا بیمار، ای آن که گناهان بندگانش به او زیانی نرساند، و او بی نیاز از طاعت آنان است، و توفیق دهنده کسی که از آنان به کمک و رحمتش عمل شایسته بجا آورد، تو را سپاس ای معبود من و آقای من، و خدای من، فرمان دادی فرمانت نخواندم، نهیم نمودی، مرتکب نهیت شدم،

فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرٍّ آتَاهُ لِي فَأَعْتَذِلُوا وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِلُوا فَبَاءَ شَيْءٍ اسْتَقْبَلُكَ يَا مَوْلَايَ اِسْمَعْنِي أَمْ بَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرَجْلِي أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ فَالْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَكُوِ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَكَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي فَبِهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي،

اکنون چنانم، که نه دارنده زمینه برائتم تا عذرخواهی کنم، و نه دارای قدرتم، تا یاری ستانم، ای مولای من با چه وسیله ای با تو روبرو شوم؟، آیا با گوشم، یا با دیده ام، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم، آیا این همه نعمتهای تو نزد من نیست؟ و من به همه اینها تو را معصیت کردم، ای مولای من، تو را بر من حجت و راه است، ای آن که مرا از پدران و مادران پوشاند، از اینکه مرا از خود برانند، و از خویشان و برادران، از اینکه مرا سرزنش کنند، و از پادشاهان از اینکه مجازاتم نمایند، مولای من اگر اینان آگاه می شدند، بر آنچه تو بر آن از من می دانی، در این صورت مهلتم نمی دانند، و مرا تنها می گذاردند، و از من می بریدند، هم اینک ای خدای من در برابرت هستم، ای آقای من،

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ لَا ذُو بَرٍّ آتَاهُ فَعْتَذِلُوا وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِلُوا وَلَا حُجَّةَ فَاحْتِجْ بِهَا وَلَا قَائِلَ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءاً وَمَا عَسَى الْجُحُودَ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي كَيْفَ وَآتَى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةً عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ وَعَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَتَكَ سَائِلِي مِنَ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَأَتَكَ الْحَكَمَ الْعَدْلَ الَّذِي لَا تَجُورُ وَعَدْلَكَ مَهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ،

فروتن و خوار، درمانده و کوچک، نه دارنده زمینه برائتم، تا عذرخواهی کنم، و نه نیروی که یاری بطلبم، و نه دلیلی که با آن احتجاج نمایم، و نه گوینده ای هستم که گناه و کار بد نکرده باشم، انکار گناه کجا؟ بر فرض اگر انکار می کردم، چه سود می داد، چگونه؟ و چسان این معنا ممکن شود، و حال آنکه همه اعضايم بر آنچه عمل کردم بر من گواهند به یقین دانستم بدون تردید. که تو از کارهای بزرگ من پرسنده ای، و تو حاکم عدالت پیشه ای هستی که در حکم و داوری ستم نمی کنی، و عدالت تو هلاک کننده من است، و من از همه عدالت تو گریزانم، معبودا اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهان من است پس از حجتی که بر من داری، و اگر از من درگذری، به سب بردباری و جود و کرم توست، معبودی جز تو نیست من از ستمکارانم،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُتَظَلِّينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِكِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَكْبَرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبَّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ،

معبودی جز تو نیست من از آمرزش خواهانم، معبودی جز تو نیست من از یکتا پرستانم، معبودی جز تو نیست من از هراسندگانم معبودی جز تو نیست، من از بیمناکانم، معبودی جز تو نیست من از امیدوارانم، معبودی جز تو نیست من از مشتاقانم، معبودی جز تو نیست من از «لا اله الا الله» گویانم، معبودی جز تو نیست من از درخواست کنندگانم، معبودی جز تو نیست من از تسبیح کنندگانم، معبودی جز تو نیست منزهی تو، من از تکبیر گویانم، معبودی جز تو نیست منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران نخستین من،

اَللّٰهُمَّ هَذَا ثَنَائِيْ عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَاَخْلَاصِيْ لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَاِثْرَارِيْ بِاِلَاطِكَ مُعَدِّدًا وَاِنْ كُنْتُ مُقِرًّا اَنِّيْ لَمْ اُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا اِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِيْ بِهٖ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِيْ وَبَرَّأْتَنِيْ مِنْ اَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْاَغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشَفَ الضَّرَّوْ تَسْبِيْبِ الْيُسْرِ وَدَفَعَ الْعُسْرَ وَتَفْرِيجَ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَهٗ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَهٗ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدْتَنِيْ عَلٰى قَدَرٍ ذِكْرٍ نِعْمَتِكَ جَمِيعَ الْعَالَمِيْنَ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ وَالْآخِرِيْنَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلٰى ذٰلِكَ تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيْمٍ عَظِيْمٍ رَحِيْمٍ لَا تُحْصِي الْاَوْكُ،

خدایا این است ثنای من بر تو برای تعظیم تو، و اخلاصم برای یاد تو برای یکتاپرستی، و اقرارم به نعمتهایت، در شمارش آنان، اگرچه اعتراف دارم نتوانستم آنها را شماره کنم به خاطر کثرت و کمالتش و نمایندگی و پیشی جستنش تاکنون، آنچه همواره مرا با آن همراه آنها سرپرستی می کردی، از هنگامی که مرا آفریدی و پدید آوردی، از آغاز عمر، و همه آنچه بر من بخشیدی از بی نیاز گرداندنم از تهیدستی، و برطرف کردن بدحالی و فراهم کردن اسباب راحتی و دفع دشواری و گشودن گره اندوه، و تندرستی در بدن، و سلامت در دین، اگر همه جهانیان از گذشتگان و آیندگان به اندازه ای که نعمت را ذکر کنم یاریام دهند، نه من قدرت ذکر آن را دارم نه آنها، مقدسی و برتری، از اینکه پروردگار کریم، بزرگ، مهربانی، عطاهایت به عدد نیابد،

وَلَا يُبْلَغُ ثَنَآؤُكَ وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاِلِ مُحَمَّدٍ وَاَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَاَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوْءَ وَتُعِثُّ الْمَكْرُوْبَ وَتَشْفِي السَّقِيْمَ وَتُعْنِي الْفَقِيْرَ وَتَجْبِرُ الْكَسِيْرَ وَتَرْحَمُ الصَّغِيْرَ وَتُعِيْنُ الْكَبِيْرَ وَلَيْسَ دُوْنَكَ ظَهِيْرٌ وَلَا فَوْقَكَ قَدِيْرٌ وَاَنْتَ اَلْعَلٰى الْكَبِيْرُ يَا مُطْلِقَ الْمُكْبَلِ الْاَسِيْرُ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيْرِ يَا عِصْمَهَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيْرِ يَا مَنْ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَلَا وَزِيْرٌ،

ه ثنایت نتوان رسید. نعمتهایت تلافی نگردد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نعمتهایت را بر ما تمام کن و به طاعتت خوشبختان فرما، منزهی تو، معبودی جز تو نیست. خدایا بیچارگان را پاسخ می دهی، و بدی را برطرف می کنی، و به فریاد گرفتاران می رسی، و بیماران را درمان می کنی، و تهیدست را بی نیاز می گردانی، و شکست را جبران می نمایی، و به خردسالان رحم می کنی، و به بزرگسالان کمک می دهی، جز تو پشتیبانی نیست، و فوق تو قدرتمندی وجود ندارد، و تو برتر و بزرگی ای رهاکننده اسیر در بند، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای پناه هراسنده پناه خواه، ای که برایت شریک و وزیری نیست،

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاِلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنِيْ فِيْ هَذِهِ الْعَشِيَّهِ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ وَاَنْسَلْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَهٗ تُؤَلِيْهَا وَاَلَا تُجَدِّدُهٗ اَوْبَلِيَّهٗ تَصْرِفُهٗ اَوْ كَرَبَهٗ تَكْشِفُهٗ وَدَعْوَهٗ تَسْمَعُهٗا وَحَسَنَهٗ تَتَقَبَّلُهٗا وَسَيِّئَهٗ تَتَغَمَّدُهٗا اِنَّكَ لَطِيْفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيْرٌ وَعَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَقْرَبُ مَنْ دُعٰى وَاَسْرَعُ مَنْ اَجَابَ وَاَكْرَمُ مَنْ عَفٰى وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطٰى وَاَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَهٗ وَرَحِيْمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مُسْتَوِلٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُوْلٌ دَعْوَتَكَ فَاجَبْتَنِيْ وَسَأَلْتُكَ فَاعْطَيْتَنِيْ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِيْ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در این شب به من عطا کن برترین چیزی که عطا کردی و نائل نمودی یکی از بندگان را، از نعمتی که می بخشی، و عطاهایی که تجدید می نمایی، و بلایی که برمی گردانی و رنجی که برطرف می کنی، و دعایی که می شنوی، و عمل نیکی که می پذیری، و بدی که می پوشانی، همانا به هرچه خواهی مهربان و آگاهی، و بر هرچیز توانایی. خدایا تو نزدیک ترین کسی هستی که خوانده شود، و سریعترین کسی که جواب دهد، و بزرگوارترین کسی که گذشت کند، و وسیع ترین کسی که عطا کند، و شنواترین کسی که سؤال شود، ای مهربان دنیا و آخرت، و بخشنده دنیا و آخرت، همانند تو سؤال شده ای نیست، و غیر تو آرزو شده ای وجود ندارد، خواندمت، پاسخم دادی، از تو درخواست کردم عطایم نمودی، و به سویت میل کردم، به من رحم فرمودی،

وَوَثَّقْتُ بِكَ فَجَبَيْتَنِيْ وَفَرَعْتُ اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِيْ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَتَبِيْكَ وَعَلٰى اِلِهٖ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ اَجْمَعِيْنَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاكَ وَهَبِنَا عَطَاكَ وَاَكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِيْنَ وَلَا لِاِيْكَ ذَاكِرِيْنَ اَمِيْنَ اَمِيْنَ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرُوْا قَدْرَ فَقْهَرٍ وَعَصٰى فَسْتَرْ وَاَسْتَغْفِرْ فَغَفَرَ يَا غَايَهٗ الطَّالِبِيْنَ الرَّاْغِبِيْنَ وَمُنْتَهٰى اَمَلِ الرَّاجِيْنَ يَا مَنْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقْبَلِيْنَ رَافَهُ وَرَحَمَهُ وَحِلْمًا.

ه تو اطمینان کردم، نجاتم دادی، و به تو پناهانده شدم، کفایت نمودی، خدایا درود فرست بر محمد بنده و فرستاده ات و پیامبرت، و بر همگی اهل بیت پاک و پاکیزه اش، و نعمتهایت را بر ما تمام کن، و عطاهایت را بر ما گوارا گردان، و ما را نسبت به خود از سپاسگذاران، و در نعمتهایت از یادکنندگان ثبت فرما، آمین آمین ای پروردگار جهانیان، خدایا ای که مالک شد و توانست، و توانست و چیره شد، نافرمانی شد و پوشاند، از او آمرزش خواسته شد و آمرزید، ای هدف خواستاران مشتاق، و نهایت آرزوی امیدواران ای آن که در دانش بر هرچیز احاطه دارد، و در مهربانی و رحمت و بردباری، جویندگان گذشت از گناه را فرا می گیرد،

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فِيْ هَذِهِ الْعَشِيَّهِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَّبِيِّكَ وَرَسُوْلِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَمِيْنِكَ عَلٰى وَحْيِكَ الْبَشِيْرِ النَّذِيْرِ السَّرَاجِ الْمُنِيْرِ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلٰى الْمُسْلِمِيْنَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِّذٰلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيْمُ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلٰى اِلٰهِ الْمُتَتَجَبِّيْنَ الطَّاهِرِيْنَ اَجْمَعِيْنَ وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَاِلَيْكَ عَجَّتِ الْاَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَّنَا اَللّٰهُمَّ فِيْ هَذِهِ الْعَشِيَّهِ نَصِيْبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُوْرٍ تَهْدِيْ بِهِ وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا،

خدایا در این شب به تو رو می آوریم، شبی که آن را شرافت و عظمت دادی به محمد پیامبرت و فرستادهات و برگزیده از خلقت، و امین وحیت، آن مژده دهنده و ترساننده، و چراغ نوربخش، آن که به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی، و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آنچنان که محمد از جانب تو شایسته آن است، ای بزرگ، بر او بر همه خاندان نجیب و پاک و پاکیزه اش درود فرست، و ما را به گذشت از ما بیوشان، که صداها با انواع لغات به جانب تو بلند است، خدایا در این شب برای ما قرار ده، از هر خیری نصیبی که میان بندگان تقسیم می کنی، و نوری که با آن هدایت می نمایی، و رحمتی که می گسترانی،

وَبَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا فِيْ هٰذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِيْنَ مُفْلِحِيْنَ مَبْرُوْرِيْنَ غَانِمِيْنَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِيْنَ وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَّحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَّحْمَتِكَ مَحْرُوْمِيْنَ وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِيْنَ وَلَا تَرُدُّنَا خَائِبِيْنَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُوْدِيْنَ يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِيْنَ وَاَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ اِلَيْكَ اَقْبَلْنَا مُوقِنِيْنَ وَلِيَبِيَّتِكَ الْحَرَامِ اَمِيْنَ قَاصِدِيْنَ قَاعِنًا عَلٰى مَنَاسِكِنَا وَاَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا اِلَيْكَ اَيَّدِيْنَا فِهِيَ بِذٰلِكَ الْاِعْتِرَافِ مُوسُوْمَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاعْطِنَا فِيْ هَذِهِ الْعَشِيَّهِ مَا سَأَلْنَاكَ ،

و برکتی که فرو می فرستی، و عافیتی که بر اندام حیات بندگان می پوشانی، و رزقی که می گستری، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا ما را در این وقت از پیشگاه رحمت پیروز و رستگار و پذیرفته و بهره مند بازگردان، و ما را از ناامیدان قرار مده، و از رحمت با دست خالی مگذار، و از آنچه از فضل امیدواریم مبتلای به حرمان مکن، و از رحمت محرومان منما، و از افزونی آنچه از عطایت آرزو داریم ناامید مساز، و ناکام باز مگردان، و از درگاهت مران، ای بخشنده ترین بخشندگان، و کریم ترین کریمان، یقین کنان به درگاهت رو نمودیم، و آهنگ کنان و قصدکنان به زیارت خانهات آمده ایم، بر ادای مناسک حج یاری مان ده، و حجتان را کامل نما، و از ما درگذر و به ما سلامت کامل بده، چرا که دستهای خود را به جانب تو دراز کرده ایم، و آن دستها به خواری اعتراف علامت دار است. خدایا آنچه را در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن،

وَاَكْفِنَا مَا اسْتَكْفِيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فَيُنَافِئُ حُكْمُكَ مُحِيْطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ فَيُنَافِئُ اِفْضَالُ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيْمِ الْاَجْرِ وَكَرِيْمِ الذَّخْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا اَجْمَعِيْنَ وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِيْنَ وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

و کفایت آنچه را از تو خواستین عهده دار باش، که ما را کفایت کننده ای جز تو نیست، و برای ما پروردگاری جز تو نمی باشد، قانونت بر ما نافذ است، دانشت ما را فراگیر است، قضایات درباره ما عادلانه است، خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده. خدایا پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت بر ما لازم گردان، و گناهان همه ما را بیامرز، و با هلاک شدگان هلاکمان مکن، و مهربانی و رحمت را از ما باز مگردان، ای مهربان ترین مهربانان،

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِيْ هٰذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَتَابَ اِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوْبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاَقْبَلْ تَصَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ وَاِذَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجَفُوْنَ وَلَا لِحْظُ الْعِيُوْنَ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُوْنِ وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوْبِ اَلَا كُلُّ ذٰلِكَ قَدْ اَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُوْلُ الظَّالِمُوْنَ عُلُوًّا كَبِيْرًا تَسْبِيْحُ لَكَ السَّمٰوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُوْنَ وَمَنْ فِيْهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يَسْبِيْحُ بِحَمْدِكَ،

خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند، و تو به آنان عطا فرمودی و تو را شکر نمودند پس بر آنان افزودی و به سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی، و به سوی تو از همه گناهانشان بپزای جستند پس همه گناهانشان را آمرزیدی ای دارای بزرگی و بزرگواری. خدایا ما را پاک کن، و به جانب راست و درستی توجه ده، و زاری ما را بپذیر، ای بهترین کسی که درخواست شد، و رحم کننده ترین کسی که از او رحمت خواسته شد، ای آن که بر هم نهادن پلکها، و دقت نظر چشمها بر او پوشیده نیست، و آنچه در نهان مستقر شده، و آنچه را پنهانیهای قلوب در برگرفته از او مخفی نیست، آری همه اینها را دانشت شماره کرده، و

بردباریات فرا گرفته، تو منزهی و برتری، از آنچه ستمگران درباره‌ات می‌گویند، پس برتری آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنهاست تو را تسبیح می‌گویند، هیچ موجودی نیست مگر اینکه با سپاست تسبیح می‌گوید،

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعَلَوُ الْجَدِّ ۝ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَأَدْرَعْ عَنِّي شَرَّ قَسَقِهِ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ

پس تو را سپاس و بزرگواری و بلندی مقام، ای دارنده بزرگی و کرامت و فضل و نعمت، و عطاهای بزرگ، و تویی بخشنده کریم رؤوف و مهربان، خدایا از روزی عدالت بر من وسعت ده، و در تن دینم سلامت کامل بخش، و ترسم را امان ده، و وجودم را از آتش آزاد کن، خدایا بلایت را به جریمه گناهانم بر من قرار مده، و مرا به تدریج بر بدیهایم مؤاخذه مکن، و مرا در خیالات باطلم رها مساز، و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن.

در این قسمت از دعا سر و دیده خود را به جانب آسمان برداشت، و از دیده‌های مبارکش مانند ریزش آب از دو مشک، اشک می‌ریخت، و با صدای بلند به محضر حق عرضه داشت:

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، و ای سریعترین حساب‌رسان، و ای مهربان‌ترین مهربانان، بر محمد و خاندان محمد آن سروران با میمنت درود فرست، و از تو درخواست می‌کنم خدایا حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی، بی‌شک هر چه را از من دریغ ورزی به من ضرری نرساند، و اگر قضای حاجتم را از من دریغ نمایی، آنچه را عطاایم کنی سودی نبخشد، آزادی عهده‌ام را از آتش از تو درخواست می‌کنم، معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای، برایت شریک نیست، فرمانروایی و سپاس خاص توست، و تو بر هر چیز توانایی، پروردگارا پروردگارا.

پیوسته «یا رب» می‌گفت، و همه آنان که اطراف حضرت بودند به دعای حضرت گوش فرا دادند و به آمین گفتن اکتفا نمودند، در نتیجه صداهایشان با آن حضرت به گریستن بلند شد، تا آفتاب غروب کرد، سپس زاد و توشه خود را بار کرده، به سوی مشعر الحرام حرکت کردند. مؤلف گوید: کفعمی دعای عرفه حضرت سید الشهداء علیه السلام را در کتاب (بلد الامین) تا این قسمت ذکر کرده، و علامه مجلسی در «زاد العمد» این دعای شریف را موافق روایت کفعمی نقل فرموده ولی سید ابن طاووس در کتاب اقبال، پس از «یا رب، یا رب، یا رب» این اضافه را آورده:

إِلَهِی أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إِلَهِی أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهْلًا فِي جَهْلِي إِلَهِی إِنْ اخْتَلَفَ تَدْبِيرُكَ وَسُرْعَهُ طَوْءٍ مَقَادِيرُكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنْ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَالْيَاسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ إِلَهِی مَنَى مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ.

خدایا، در عین توانگری تهیدستم، پس چگونه در تهیدستی تهیدست نباشم، خدایا در عین دانایی نادانم، پس چگونه در عین نادانی نادان نباشم. خدایا همانا اختلاف تدبیرت، و سرعت تغییر تقدیرات، بندگان عارف به تو را، از اطمینان به بخشش و ناامیدی از تو در گرفتاری باز داشته است. خدایا از من است آنچه سزاوار پستی من است، و از توست آنچه شایسته بزرگواری توست.

إِلَهِی وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وَجُودِ ضَعْفِي أَفَتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وَجُودِ ضَعْفِي إِلَهِی إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِی كَيْفَ تَكْلُنِي وَقَدْ تَكْفَلْتَ لِي وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مُحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي

خدایا تو خود را با لطف و مهربانی به من توصیف کرده‌ای پیش از پیدایش ناتوانی من، آیا آن دو را از من دریغ ورزی پس از پدید آمدن ناتوانی‌ام، خدایا اگر زیبایی‌هایی از من نمایان شود، به فضل توست، و تو را بر من منت بسیار است، و اگر زشتیهایی از من ظاهر گردد، به عدل توست و تو را بر من حجت کامل است. خدایا چگونه مرا و می‌نهی در صورتی که عهده‌دار من شده‌ای؟ و چگونه مورد ستم واقع شوم و حال آنکه تو یار منی؟ یا چگونه ناامید گردم، درحالی که نسبت به من سخت مهربانی اینک به نیازم به تو، متوسل به توام، و چگونه متوسل به تو شوم به آنچه که محال است به تو برسد، یا چگونه از حالم به تو شکایت کنم و حال آنکه بر تو پوشیده نیست؟ یا چگونه با گفتارم ترجمه حال نمایم،

وَهُوَ مِنْكَ بَرَزَ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أَمَالِي وَهِيَ قَدْ وَقَدَتْ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ وَمَا أَرَأَاكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كَلِشْيَاءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمَكَ وَكُلَّمَا أَيْسَرَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعُنِي مِنْكَ .

درحالی که از تو برای تو واضح است؟ یا چگونه آرزوهایم را به عرصه نومیدی بری، در صورتی که به آستان تو وارد گشته؟ یا چگونه احوالم را نیکو نگردانی، درحالی که احوال من استوار به توست؟ خدایا چه اندازه به من لطف داری. با این نادانی فوق العاده من، و چه قدر به من مهربانی، با این عمل زشت من؟ خدایا چقدر به من نزدیکی، و من چقدر از تو دورم، و چه اندازه به من مهر می‌ورزی پس چیست. آنچه مرا از تو در پرده می‌کند؟ خدایا از اختلاف آثار، و تغییرات احوال دانستم که خواسته‌ات از من این است که خود را در هر چیز به من بشناسانی تا در هیچ چیز نسبت به تو جاهل نباشم، خدایا هر زمان فرومایگی‌ام از سخن مرا بازداشت، کرم تو گویایم نمود، و هروقت اوصافم ناامیدم کرد، نعمت‌هایت به طمعم انداخت.

إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتَرَكْ لَذِي مَقَالٍ مَقَالًا وَلَا لَذِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنِيَتْهَا وَحَالُهُ شِيدَتْهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ بَلْ أَقَاتَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةُ مِنِّي فَعِلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزَمًا إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْأَمْرُ .

خدایا کسی که زیبایی‌هایش زشتی بوده، پس چگونه زشتی‌هایش زشتی نباشد، و کسی که حقیقت گوییهایش ادعای خالی بوده، چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟ خدایا دستور نافذت، و مشیت چیره‌ات، برای صاحب سخن سخنی، و برای صاحب حال حالی نگذشته، خدایا چه بسیار طاعتی که بنا کردم، و چه بسیار حالتی که استوار نمودم. عدالتت اعتمادم را بر آنها ویران کرد، ولی فضل تو عذر مرا از آنها پذیراست. خدایا همانا می‌دانی هر چند طاعت از جانب من، به صورت کار جدی ادامه نداشته، ولی به صورت محبت و اراده ادامه داشته. خدایا چگونه تصمیم بگیرم و حال آنکه تو چیره‌ای، و چگونه تصمیم نگیرم درحالی که تو دستوردهنده‌ای،

إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وَجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ مَتَى غِبْتُ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعُدْتُ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ عَمِيَّتُ عَيْنٍ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا وَخَسِرْتُ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حَبِيبٍ نَصِيبًا .

خدایا مردّد شدن من در آثار موجب دوری دیدار است، پس مرا با وجودت گرد آور، به وسیله عبادتی که مرا به تو رساند، چگونه بر وجود تو استدلال شود، به موجودی که در وجودش نیازمند به توست؟ آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست، تا آنان غیر وسیله ظهور تو باشد؟! کی پنهان بوده‌ای، تا نیازمند به دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده‌ای، تا آثار واصل کننده به تو باشند؟ کور باد دیده‌ای که تو را بر آن دیده‌بان نبیند و زیانکار باد تجارت بنده‌ای که از محبتت برای او سهمی قرار نداده‌ای،

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرَّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَهِدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٍ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا وَمَرْفُوعٍ إِلَيْهِ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعِبَادَةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي عَلِمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَصْنِي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ .

خدایا مرا به رجوع به آثار فرمان دادی، پس مرا به پوششی از انوار و هدایتی بصیرت‌جو به سوی خود بازگردان، تا از آنها به سویت بازگردم همانطور که از آنها به بارگاہت بار یافته‌ام، با نگاهداری نهادم از نگاه به آنها و برگرفتن همّت از اعتماد بر آنها، همانا تو بر هر چیز توانایی. خدایا این خواری من است که در برابرت عیان

است، و این حال من است که بر تو پوشیده نیست، از تو رسیدن به تو را می‌خواهم، و بر تو استدلال می‌کنم، پس به نورت مرا به وجودت راهنمایی کن، و در برابر تو به صدق بندگی بر پا دار. خدایا از علم مخزون تو به من بیاموز، و به پرده نگاهداریت حفظم کن.

إِلَهِی حَقَّقْنِی بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَأَسْأَلُکَ بِنِیَّهِ مَسَلِّکَ أَهْلَ الْجَذْبِ إِلَهِی أَعْنِی بِتَدْبِیرِکَ لِی اِمْعَنْ تَدْبِیرِی وَبِاخْتِیارِکَ عَنِ اخْتِیارِی وَأَوْفُقْنِی عَلَی مَرَاکِزِ اضْطِرَارِی إِلَهِی أَخْرِجْنِی مِنْ ذُلِّ نَفْسِی وَطَهِّرْنِی مِنْ شَرِّکَی وَشَرِّکِی قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِی بِکَ اَنْتَصِرْ فَأَنْصُرْنِی وَعَلِیکَ اَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِی وَایَاکَ اَسْأَلُ فَلَا تُخِیْبِنِی وَفِی فَضْلِکَ اَرْغَبُ فَلَا تُحْرِمْنِی وَبِجَنَابِکَ اَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِی وَبِبَابِکَ اَقِفْ فَلَا تُطْرُدْنِی .

خدایا مرا به حقایق اهل قرب محقق کن، و به راه و روش اهل جذب ببر، خدایا به تدبیرت نسبت به من مرا از تدبیرم، و به اختیارت از اختیارم بی‌نیاز گردان، و مرا به مواضع بیچارگی‌ام آگاه کن، خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده، و از شک شرکم پاک کن و پیش از آنکه وارد قبر شوم، از تو یاری می‌جویم، پس مرا یاری ده، و بر تو توکل می‌کنم، پس مرا وامگذار، و از تو درخواست می‌کنم. پس ناامیدم مکن، و در فضل تو رغبت می‌نمایم، پس محرومم مگردان، و خود را به تو منسوب می‌کنم، پس دورم مکن، و در آستانه تو می‌ایستم پس مرانم،

إِلَهِی تَقَدَّسَ رِضَاکَ أَنْ یَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْکَ فَکَیْفَ یَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنْی إِلَهِی أَنْتَ الْغَنِیُّ بِذَاتِکَ أَنْ یَصِلَ إِلَیکَ النِّفْعُ مِنْکَ فَکَیْفَ لَا تَكُونُ غَنِیًّا عَنِّی إِلَهِی إِنْ الْقَضَاءُ وَالْقَدَرُ یَمْنِیْنِی وَإِنْ الْهُوْیُ بِوُثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِی فَکُنْ أَنْتَ النَّصِیرَ لِی حَتَّى تَنْصُرْنِی وَتُبَصِّرْنِی وَأَعْنِی بِفَضْلِکَ حَتَّى أَسْتَغْنِی بِکَ عَنْ طَلَبِی أَنْتَ الَّذِی أَسْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِی قُلُوبِ أَوْلِیَائِکَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِی أَرَلْتَ الْأَغْیَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِکَ حَتَّى لَمْ یُحِبُّوا سِوَاکَ وَلَمْ یَلْجَأُوا إِلَى غَیْرِکَ أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حِیْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ وَأَنْتَ الَّذِی هَدَيْتَهُمْ حِیْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَکَ وَمَا الَّذِی

خدایا خشنودی تو منزّه است از اینکه علتی از جانب تو داشته باشد، پس چگونه ممکن است برای آن علتی از ناحیه من بوده باشد؟ خدایا تو بی‌نیازی از اینکه نفعی از جانب خویش به حضرتت رسد، پس چگونه بی‌نیاز از من نباشی؟ خدایا قضا و قدر مرا به آرزو انداخت، و هوای نفس مرا در بندهای شهوت اسیر کرد، پس تو یاور من باش تا پیروزم نمایی و بینایم کنی، و به فضل خود بی‌نیازم فرما، تا به وسیله تو از خواسته‌ام بی‌نیاز کردم، تویی که انوار را در قلوب دوستان تاباندی، تا تو را شناختند و یگانه‌ات دانستند، و تویی که بیگانگان را از قلوب عاشقانت راندی تا غیر تو را دوست نداشتند، و به غیر تو پناه نبردند، تو مونس آنانی آنجا که عوالم آنان را به وحشت اندازد، تویی که آنان را هدایت نمودی، هر جا که نشانه‌هایی برای آنان آشکار شد، کسی که تو را گم کرده چه یافته؟ و چه گم کرده،

فَقَدَ مَنْ وَجَدَکَ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِیَ دُونَکَ بَدَلًا وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْکَ مُتَحَوِّلًا کَیْفَ یُرْجَى سِوَاکَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ وَکَیْفَ یُطْلَبُ مِنْ غَیْرِکَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْأَمْتِنَانِ یَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ مُتَمَلِّقِینَ وَیَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِیَائَهُ مَلَاسِ هِیْبَتِهِ فَقَامُوا بَیْنَ یَدَیْهِ مُسْتَغْفِرِینَ أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِینَ وَأَنْتَ الْبَادِی بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِینَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِینَ وَأَنْتَ الْوَهَّابُ،

کسی که تو را یافته، همانا محروم شد کسی که به جای تو به دیگری راضی گشت، و زیانکار شد کسی که از تو به دیگری روی آورد، چگونه به غیر تو امید بست، و حال آن که احسانت را بریده ساختی، و چگونه از غیر تو خواسته شود در صورتی که تو شیوه نعمت‌بخشی‌ات را تغییر نداده‌ای، ای که به عاشقانش شیرینی همدیم خود را چشاند، در نتیجه گویا نه در برابرش ایستادند، ای که اولیایش را جامه‌های هیبت پوشاند، پس آمرزش جویانه در مقابلش قرار گرفتند، تویی یاد کننده پیش از یادکنندگان، و تویی شروع کننده به احسان، پیش از توجه بندگان، و تویی جودکننده به عطا، پیش از خواستن خواهندگان، و تویی بخشنده،

ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِینَ إِلَهِی اُطْلُبْنِی بِرَحْمَتِکَ حَتَّى أَصِلَ إِلَیکَ وَاجْذِبْنِی بِمَنْکَ حَتَّى أَقْبِلَ عَلَیکَ إِلَهِی إِنْ رَجَائِی لَا یَنْقَطِعُ عَنْکَ وَإِنْ عَصِیتُکَ کَمَا أَنْ خَوْفِی لَا یُزِیلُنِی وَإِنْ أَطَعْتُکَ فَقَدْ دَفَعْتَنِی الْعَوَالِمُ إِلَیکَ وَقَدْ أَوْقَعْنِی عِلْمِی بِکَرَمِکَ عَلَیکَ إِلَهِی کَیْفَ أَخِیبُ وَأَنْتَ أَمَلِی أَمْ کَیْفَ أَهَانَ وَعَلِیکَ مُتَکَلِّی إِلَهِی کَیْفَ اسْتَعِزُّ وَفِی الذَّلَّةِ اَرْکُزُنِی اَمْ کَیْفَ لَا اسْتَغِزُّ وَإِلَیکَ نَسَبْتَنِی.

و سپس آنچه را که به ما بخشیدی از ما به قرض خواهی، خدایا مرا به رحمتت بخواه تا به تو رسم، و مرا به عطایت جذ کن تا به جانب تو رو کنم. خدایا امیدم از تو قطع نشود، گرچه نافرمانی‌ات کردم، چنان که ترسم از تو زایل نشود، گرچه اطاعتت نمودم، همانا جهانیان مرا به جانب تو رانده‌اند، و دانشم به کرمات مرا به آستانه تو انداخته. خدایا من چگونه ناامید شوم و حال آنکه تو آرزوی منی، یا چگونه خوار گردم در صورتی که اعتمادم بر توست. خدایا چگونه عزّت خواهم، در حالی که در خواری ثابتم کرده‌ای، و چگونه عزّت نخواهم با آن که به خود نسبتم داده‌ای؟

إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفَقْرِ آءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحَقَّتَ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ وَمَحَوَّتِ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

خدایا چگونه نیازمند نباشم، و حال آن که مرا در نیازمندان نشاندی، یا چگونه نیازمند باشم در صورتی که تو به جودت بی نیازم کرده ای، و تویی که معبودی جز تو نیست، خود را به هرچیز شناساندی، پس چیزی جاهل به تو نیست، و تویی که خود را در هرچیز به من شناساندی، پس تو را در هرچیز نمایان دیدم، و تویی نمایان برای هرچیز، ای که به رحمانیتش چیره شد، در نتیجه عرش در ذاتش پنهان شد، آثار را با آثار نابود کردی، و اغیار را به احاطه کنندگان افلاک انوار محو نمودی، ای که در سراپرده های عرشش پرده نشین از این شد که دیده ها او را دریابد، ای آن که به کمال زیبایی اش تجلی کرد، پس تحقق یافت عظمتش از روی استیلا و برتری چگونه پنهان شوی و حال آن که نمایانی، یا چگونه غایب شوی و حال آن که دیده بانی و حاضری، همانا تو بر هرچیز توانایی، و سپاس تنها از آن خداست، خدای یگانه.

جهت دریافت انتقادات و پیشنهادات به وب سایت هیئت شهدای گمنام زنگی آباد به نشانی www.shohadayegomnam.info

مراجعه نمایید

مارا از دعای خیر خود بی نصیب نگذارید .

التماس دعا

خادمین هیئت شهدای گمنام